



این شماره تقدیم می‌شود به ساخت

شهید
حسن باقریویژه نامه جنگ رمضان | شماره ۸۴
جمعه ۸ خرداد ۱۴۰۵جبهه
انرژیکاری از اندیشکده نفت و انرژی
و گروه تحلیلی پتروپال

سرمقاله

بازگشت ظرفیت پتروشیمی به سطح پیشاجنگ

پیامدهای صادراتی و اثر بر تراز ارزی

قطعات حساس نظیر کمپرسورهای سانتریفیوژ و کاتالیست‌های خاص، نشان‌دهنده بلوغ تکنولوژیک در بخش تعمیرات و نگهداری است. مستندسازی این تجربه، یعنی چگونگی پاکسازی سایت‌های عملیاتی از مهمات عمل‌نکرده و آواربرداری صنعتی بدون آسیب به مخازن تحت فشار، خود می‌تواند به عنوان یک دستورالعمل بومی برای پدافند غیرعامل در صنایع مشابه مورد استفاده قرار گیرد.

در نهایت، سرمقاله امروز صنعت پتروشیمی، روایت پیروزی اراده مهندسی بر منطق تخریب است. بازگشت به ظرفیت قبل از جنگ، تنها یک نقطه پایان بر دوران بازسازی نیست؛ بلکه نقطه آغازین برای جهش‌های دوم و سوم پتروشیمی است. اکنون که گلوگاه‌های تولید رفع شده‌اند، نوبت به سیاست‌گذار است تا با تنظیم نرخ خوراک و حمایت از تکمیل زنجیره ارزش در صنایع میانی و پایین‌دستی، اجازه ندهد این ظرفیت احیا شده، صرفاً به خام‌فروشی محصولات پایه محدود بماند. ما از خاکستر جنگ برخاسته‌ایم، اما هدفمان باید پروازی فراتر از ترازهای گذشته باشد. ♦

به برج‌های تقطیر و راکتورهای پلیمری دچار افت جدی شده بود، مجدداً به تراز اسمی خود بازگشته است. در جزئیات این بازسازی، لید به احیای خطوط لوله انتقال اتیلن و خوراک‌های گازی اشاره کرد. آمارهای کارشناسی حاکی از آن است که بیش از ۴۵۰ کیلومتر از خطوط لوله انتقال خوراک که در نقاط حساس دچار شکستگی یا انهدام شده بودند، با استانداردهای نوین API تحت پایش‌های هوشمند و تست‌های هیدرواستاتیک مجدد قرار گرفته و اکنون آمادگی انتقال روزانه بیش از ۷۰ میلیون مترمکعب گاز طبیعی و خوراک‌های ترکیبی را دارا هستند. این یعنی، مجتمع‌هایی که به دلیل قطع جریان خوراک با نیمی از ظرفیت فعالیت می‌کردند، اکنون می‌توانند بدون محدودیت فنی، رکورد تولید محصولات استراتژیکی همچون پلی‌اتیلن‌های سنگین و سبک، متانول و اوره را جابه‌جا کنند.

از منظر اعداد و ارقام، بازگشت به ظرفیت قبل از جنگ به معنای احیای پتانسیل صادراتی سالانه بیش از ۲۵ تا ۳۰ میلیون تن محصول پتروشیمی است. اگر قیمت میانگین محصولات پلیمری و شیمیایی را در بازارهای هدف در نظر بگیریم، این بازگشت ظرفیت، سالانه جریانی بالغ بر ۱۲ تا ۱۵ میلیارد دلار آراژوری را مجدداً به شریان‌های اقتصادی بازمی‌گرداند. نکته حائز اهمیت اینجاست که در فرآیند تعمیرات اساسی پس از جنگ، بسیاری از واحدهای قدیمی نیز مورد نوسازی فنی قرار گرفتند؛ به گونه‌ای که شاخص شدت مصرف انرژی در این واحدها اکنون حدود ۵ تا ۸ درصد نسبت به دوران پیش از جنگ بهبود یافته است. این یعنی ما با پتروشیمی‌هایی بازگشته‌ایم که نه تنها به ظرفیت قبل رسیده‌اند، بلکه از نظر بهره‌وری عملیاتی در وضعیت بهتری قرار دارند.

با این حال، چالش پسا-بازسازی، فراتر از نصب تجهیزات است. اکنون که زیرساخت‌های سخت‌افزاری مهیا شده‌اند، صنعت پتروشیمی نیازمند بازسازی اعتبار تجاری در بازارهای بین‌المللی است. خریدارانی که در دوران جنگ به دلیل عدم قطعیت در تحویل کالا به سمت رقبا در خلیج مکزیک یا جنوب شرق آسیا حرکت کرده بودند، باید با اهرم پایداری عرضه مجدداً جذب شوند. بازگشت ظرفیت تولید به ۱۰۰ درصد، قدرتمندترین ابزار دیپلماسی تجاری برای مدیران بازرگانی ماست تا قراردادهای بلندمدت را احیا کنند. همچنین نباید از یاد برد که تعمیر بخش‌های آسیب‌دیده در شرایط تحریمی و با تکیه بر مهندسی معکوس

♦ | صنعت پتروشیمی به عنوان پیشران اقتصاد ارزآور و ستون فقرات زنجیره ارزش در بخش پایین‌دستی نفت و گاز، همواره در صف اول آسیب‌پذیری از منازعات و بحران‌های سخت قرار دارد. امروز که سخن از اتمام فرآیند آواربرداری، تعمیر و بازسازی بخش‌های آسیب‌دیده واحدهای پتروشیمی و خطوط لوله انتقال خوراک به میان می‌آید، در واقع ما در حال زدن یکی از پیچیده‌ترین پروژه‌های مدیریت بحران و تداوم کسب‌وکار در تاریخ صنعت انرژی منطقه هستیم. بازگشت به ظرفیت تولید پیش از جنگ، صرفاً یک موفقیت مهندسی نیست؛ بلکه پیامی روشن به بازارهای جهانی درباره بازگشت پایداری به زنجیره تأمین است.

بررسی‌های فنی نشان می‌دهد که حجم تخریب‌ها در بخش‌های کلیدی از جمله تلمبه‌خانه‌ها، ایستگاه‌های تقویت فشار اتیلن و مخازن ذخیره‌سازی استراتژیک، عملاً ظرفیت بهره‌برداری را در دوران اوج بحران به کمتر از ۳۵ درصد کاهش داده بود. اما امروز، با تکیه بر توان مهندسی داخلی و نوسازی بخش‌های آسیب‌دیده، مجموع ظرفیت نصب‌شده که در دوران جنگ بر اثر آسیب

سیاست کلان

کاپیتولاسیون قفقازی و دکترین فشار تدریجی؛ آمریکا همسایه شمالی شد

نجفی از تغییر استراتژی ترامپ خبر می‌دهد؛ او که پیش‌تر تحت تأثیر القاءات نتانیاهو به دنبال فروپاشی سریع با یک حمله گسترده بود، اکنون با درک ثبات ساختاری ایران به سمت جنگ محدود و فشار تدریجی تغییر فاز داده است. واشنگتن حالا امیدوار است با حضور مستقیم در قفقاز و تشدید فشارهای چندلایه، طی ماه‌های آینده محرک آشوب‌های داخلی در ایران باشد، در حالی که تهران این حضور را به عنوان یک تهدید موجودیتی در حیات خلوت خود رصد می‌کند.

امضای توافق‌نامه محرمانه مسیر ترامپ میان ابروان و واشنگتن، جغرافیای سیاسی منطقه را وارد فاز بحرانی کرده است. این توافق که با واگذاری ۹۹ ساله خاک ارمنستان و ایجاد شرکت توسعه (TDC) با سهم ۷۴ درصدی آمریکا همراه است، عملاً حاکمیت ملی ارمنستان را در ازای اتصال باکو به نخجوان مصادره می‌کند؛ پروژه‌ای که با معافیت‌های مالیاتی مطلق و واگذاری امنیت مرزی به اپراتورهای خصوصی غربی، چیزی جز یک کاپیتولاسیون نوین در مرزهای شمالی ایران نیست. هم‌زمان، مصطفی

بازار جهانی و امنیت انرژی

نظم نوین در هرمز؛ از پیوستن عمان به سیستم عوارض تا اقتدار میدانی سپاه

تردد کشتی‌ها شود. با این حال، اقتدار میدانی در اختیار نیروی دریایی سپاه است؛ جایی که تنها در شبانه‌روز گذشته ۲۶ کشتی پس از هماهنگی و کسب مجوز از کریدور ایمن عبور کرده‌اند. برخورد قاطع با کشتی‌هایی که با دستکاری سیستم‌های ناوبری قصد ورود غیرمجاز داشتند و توقیف دو فروند از آن‌ها، نشان می‌دهد که تهران عملاً حاکمیت خود را بر پروتکل‌های عبور و مرور تحمیل کرده است.

تحولات تنگه هرمز وارد مرحله‌ای شده که خاویر بالاس آن را نظم ایرانی می‌نامد. گزارش‌ها حاکی از آن است که عمان، علیرغم تهدیدهای مستقیم خزانه‌داری آمریکا، در حال بررسی نهایی برای پیوستن به ایران جهت اجرای سیستم هزینه عبور یا عوارض در تنگه است؛ اقدامی که تیر خلاصی به مدیریت سنتی غرب بر این آبراه استراتژیک محسوب می‌شود. در همین راستا، وزارت خزانه‌داری آمریکا بلافاصله نهاد تازه‌تأسیس مدیریت آبراه خلیج فارس را تحریم کرد تا مانع درآمدزایی ایران از

زیرساخت و دیپلماسی اقتصادی

شریان‌های باز نفت و بن بست پترو دلارها؛ از درآمدهای ۳۱ میلیارد دلاری تا بدعهدی توتال

است. اختلاف ۴.۵ میلیارد دلاری در پروژه گاز مایع موزامبیک، بار دیگر الگوی رفتاری توتال در استفاده از بهانه‌های امنیتی برای خروج از تعهدات را اثبات کرد. در این فضای تنش آلود شرکتی و اقتصادی، ابزار نظامی نیز به کمک دیپلماسی آمده است؛ گزارش باراک راوید درباره هدفگیری کشتی‌های آمریکایی و تجاری توسط پهپادهای ایرانی، حامل این پیام روشن است که هرگونه اختلال در شریان‌های اقتصادی ایران، با پاسخ مستقیم در سطح عملیاتی مواجه خواهد شد.

در حالی که محاصره دریایی تشدید شده، گزارش وال استریت ژورنال نشان می‌دهد که ایران با تکیه بر تاکتیک‌های عملیاتی مانند انتقال کشتی به کشتی (STS)، همچنان نبض صادرات خود را حفظ کرده و تنها در سال گذشته ۳۱ میلیارد دلار درآمد نفتی از بازار چین کسب کرده است. این تاب‌آوری اقتصادی در مقابل رفتارهای فرصت‌طلبانه شرکت‌های چندملیتی قرار دارد؛ شرکت توتال که پیش‌تر پروژه‌های ایران را نیمه‌تمام رها کرده بود، اکنون دولت موزامبیک را با مطالبه غرامت ۲ میلیارد دلاری در بن بست قرار داده